

"حقوق بشر" در آستانه قرن ۲۱:

تشدید جنگ علیه پناهجویان و حق پناهندگی

مریم نمازی

حمله دولتها و مطبوعات غربی علیه حق پناهندگی و پناهجویان به یک مضحکه تبدیل شده است. بنام "جنگ علیه قاچاق انسانها"، دارند جنگ تمام عیاری علیه حق پناهندگی و پناهجو را سازمان می دهند، تلاش برای تقاضای پناهندگی را بعنوان یک جنایت باز تعریف می کنند و پناهجویان را افرادی "غیر قانونی" و "جنایتکار" جلوه می دهند. این پروپاگاندا و ادعاهای دروغین علیه قاچاق انسانها قرار نیست شرایط امن تری برای فرار بوجود بیاورد یا قاچاق را از بین ببرد. واقعیت این است که این قراردادها و سیاستهای راسیستی و سرکوبگرانه خود این دولتها است که راه دیگری برای پناهجو نگذاشته است. در اساس، این جنگ قرار است پناهجو را محدودتر کند، بیرون "دژ اروپا" نگاه دارد، بخطر بیاندازد، کلا حق پناهندگی را از بین ببرد و حق زندگی آزادتر و دور از ترس تعقیب و سرکوب و ناامنی را سد کند.

با تصویب قوانین جدید، کنترل شدید مرزها، و غیره این دولتها تمام راههای قانونی و غیر قانونی کم خطرتر برای ورود پناهجو را گرفته اند. در حالی که قوانین ضد انسانی این دولتهاست که پناهجو را مجبور به تن دادن به ریسکهای جدی کرده است، آنان بحث قاچاقچیان را علم می کنند تا ریاکارانه و بیشرمانه جنگ علیه پناهجویان را "دفاع از جان مهاجرین غیرقانونی" قلمداد کنند. پس از فاجعه اسفناک خفه شدن ۵۸ پناهجوی چینی که سعی داشتند در پشت کامیون بطور مخفیانه به انگلیس برسند، دولتهای غربی فراخوان قوانین سخت تری را برای جلوگیری از "قاچاق انسان" (در واقع ورود پناهجو) داده اند. دولت فرانسه برای شرکتهائی که "مهاجر غیرقانونی" حمل می کند، جریمه را سه برابر کرده است. دولت استرالیا حکم تا ۲۰ سال زندان را برای قاچاقچیان تصویب کرده است و مانع کمک مددکاران اجتماعی به پناهجویانی که از بازداشتگاه آزاد می گردند می شود تا پناهجویان را برای ورود "غیرقانونی" تنبیه کند. دولت بلژیک یک کمپین تبلیغی گسترده راه انداخته است که "مهاجرین غیرقانونی" را که "با گفته های قاچاقچیان برای قول کار و امکانات رفاهی گول خورده اند را از آمدن به این کشور منصرف کند." دولت ایتالیا برای آسان کردن دیپورت قرارداد می بندد، و دولت انگلیس هر راننده کامیون را برای هر فرد "غیر قانونی" ۲۰۰۰ پوند جریمه می کند و غیره.

سه خطوط برنامه ای شورای وزیران اروپا در مورد مهاجرت (اکتبر ۱۹۹۹) به روشنی نشان می دهد که جنگشان علیه پناهجو است: "همکاری با کشورهای منبع مهاجر، کنترل موج مهاجرت و ادامه جنگ علیه شبکه های غیرقانونی مهاجرت، و در آخر، انتگره کردن خارجیانی که قانونی زندگی می کنند و به قوانین احترام می گذارند" (بنقل از وزیر کشور فرانسه). دولتهای غربی در تلاش اند تا "کنوانسیون سازمان ملل علیه جرم سازماندهی شده" منعقد کنند که در آن پروتکل های پیشنهادی آنها در مورد قاچاق، سرعت بخشیدن به دیپورت افراد "غیرقانونی" و تعهد دولتهائی برای بازپس گیریشان می باشد.

این خطوط و در کل قوانین و سیاستهای جدید، حقوق پناهندگی را نقض می کند چون بطور علنی و بی سابقه ای دسترسی به پروسه پناهندگی را بر پناهجوی "غیرقانونی" می بندد. پناهجو را "مجرم" جلوه می دهند تا راحت تر

او را به کشتن دهند. بگفته "شيله"، وزير کشور آلمان: "بايد فرقى بين پناهجویانى که بار مسئولیتی برای کشورمان هستند با مهاجرانى که نفعی برای اقتصاد ما دارند گذاشت." این خطوط و سیاستها علنا و بطور بی سابقه‌ای همکاری نزدیک و منافع هم طبقاتی‌شان با دولتهای مستبد مانند جمهوری اسلامی ایران را نشان می دهد. این خطوط و سیاستها چیزی جز راسیسم نیست چون آشکارا اعلام می کند که مردم کشورهای "جهان سومی" حق ندارند آزادتر و بدون ترس تعقیب و شکنجه و اعدام زندگی کنند.

در خطوط عملیشان، در کنوانسیون پیشنهادیشان، و در سخنان ضد انسانی هر روزشان صحبتی از پناهجو و پناهندگی نیست. اینها کلا لغت "پناهجو" را از زبان روز خود حذف کرده اند، و مردم را با القابی مانند "مهاجرین غیر قانونی تنها در جستجوی شغل‌های بهتری هستند" بمباران می کنند. دولتها و مطبوعات غربی عمدا اختناق و سرکوبی که پناهجویان از آن فرار می کنند را لاپوشانی می کنند تا به این ترتیب قوانین راسیستی خود، زندانی و شکنجه پناهجویان، ایجاد شرایط غیر انسانی زندگی برای آنان، خفه شدن و کشته شدن آنان و دیپورت دستجمعی پناهجویان را مشروعیت ببخشند.

وقتی "جنگ علیه قاچاق" به اولویت روز تبدیل می شود، دیپورت اجباری انسانها به مبدأ سرکوب و اختناق بطور مضحکی توجیه می گردد. برای مثال، وقتی تعداد زیادی پناهجو "غیر قانونی" وارد کانادا شده و اکثرشان دیپورت گردیدند، یک "متخصص امنیتی" دولت کانادا گفت که دیپورتهای یک موفقیت علیه قاچاق بوده است. و در تأیید سخنان او نیز یک خبرنگار می نویسد: "چون قاچاقچیان بعد از تحویل دادن مشتریهای خود پول می گیرند، بازداشتها و دیپورتهای دستجمعی برنامه تجارتي آنان را از بین برد." در این میان بحثی از سرنوشت انسانهایی که دیپورت میشوند در کار نیست.

این "جنگ علیه قاچاق انسانها"، جنگی است علیه پناهجو. جنگی است علیه انسانهای بیشماری که از سرکوب و اختناق و زندگی غیر قابل تحمل فرار کرده اند. متقاضیان اصلی به غرب از عراق، ایران، ترکیه، افغانستان، سومالی، پاکستان، الجزایر و غیره می باشند - در کشورهایی که نقض آشکار حقوق پایه‌ای انسانها سر به فلک زده است، کشورهایی که در آنها انسانها را بخاطر رابطه آزاد جنسی سنگسار می کنند، برای "بدحجابی" شلاق می زنند، و برای فعالیت سیاسی و سازماندهی اعتصاب کارگری، اعدام می کنند.

ادامه این جنگ، در صورتیکه با آن مقابله نشود، تعداد قربانیان را بطور تراژیک و بی سابقه‌ای افزایش خواهد داد. تصمیم این دولتها جدی است اما عملی کردن تمام و کمال اهدافشان ساده نیست. اگر این اقدامات ضد انسانی دارد بعد قاره ای و بلوکی پیدا میکند، واضح است که مقابله با آن و افسار زدن به آن باید در سطح گسترده جهانی صورت گیرد. فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی، احزاب سوسیالیست و کارگری، سازمانهای انساندوست و مترقی و انسانهای های آزادیخواه نیروهائی هستند و خواهند بود که در مقابل یورش این دولتها به حقوق ابتدائی انسانها ساکت ننشستند و نخواهند نشست. فدراسیون در این راستا تمام نیروی خود را بکار خواهد گرفت و با کلیه سازمانها و احزاب مترقی و انساندوست و همه مردم آزادیخواه همکاری خواهد کرد تا برای خنثی کردن سیاستهای ارتجاعی دولتهای مربوطه اقدامات لازم صورت گیرد. بدون سازمان دادن یک جنبش قوی ضد راسیستی و ضد دیپورت و ضد قوانین علیه پناهنده نمیتوان جلو این موج تعرض را گرفت. برپائی یک جنبش اعتراض اجتماعی نیاز فوری برای مقابله با این یورش است.

بايد جلويشان ايستاد و از حق بدون چون و چرای پناهندگی دفاع کرد.